

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام  
 صاحب امتیاز روزنامه هفتگی  
 و یومیه (جبل المثین)  
 (عنوان مراسلات)  
 طهران خیابان لاله زار  
 نائب مدیر میرزا سید حسن کاشانی  
 دبیر اداره آقا شیخ یحیی کاشانی  
 غیر از روزهای جمعه همه روز  
 طبع و توزیع میشود

یومیه

# جبل المثین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۴۰ فران  
 سایر بلاد داخله ۵۰ فران  
 روسیه و قفقاز ۱۲ منت  
 سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

(قیمت يك نسخه)

در طهران سه شاهی  
 سایر بلاد ایران یکبایستی است

قیمت اعلان سطر

دو فران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه  
 با امضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است

بنجشنبه ۲۶ رجب المرجب ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۷ شهریور ماه جلالی ۱۲۹۵ و ۵ سپتامبر ۱۹۰۷ میلادی

## اجع بکا مینه جدید

از فراریکه در السنه و افواه اشتهار دارد تکلیف وزارت داخله و ریاست هیئت کابینه را بهر کس میکنند زیر بار نبرود و کردن بقبول این امر خطیر نمیدهد مشیر الدوله را چندانکه اصرار نمودند راضی نشد وزیر مخصوص هم به علاوه متقلد نشدن شغل وزارت از مسند حکومت طهران نیز کنار آمد و استعفاء خورد تقدیم نمود سلطان ملی خان وزیر در بازرگانی کشیدن این بار کران حاضر نمیشود گویا نظام السلطنه را نامزد این مهم نموده و تلگرافی رمزی بدو شده است و افواه است که او را احضار نموده اند لکن واضح است که سن نظام السلطنه امروز تقاضای چنین کاری ندارد چنانکه در فرنگ از هفتاد سال متجاوز را مباشر این نوع مشاغل که قوه دماغی زیاد لازم دارد مینمایند بلی این وزراء زیرک ما که سابقا برای رسیدن به مسند يك وزارتی متصل با هم در جنگ و جدال بودند و هر کس صدر اعظم میشد جمعی از آنها بر ضدش قیام کرده دائما او را بخود مشغول داشته سر کرم دفاع و معارضه مینمودند چه شد که حالیه با اصرار و ابرام فراوان تمکین نشستن بر مسند را نمیکند و بالتماس معافی نمودن خود را استدعاء میکنند؛ جهت همان مؤلثت است سابق چون مؤلثت در کار نبود شغل وزارت مثل يك مهر سبلی مینمود که بی در پی بول وارد کند دخل مثل باران میبارد تعاریفی کشتی و کشتی ریشود در یاد او وارد میشد غوی و ترس هم در کار نبود البته همه کس با کمال شوق و ذوق قبول داشت ریاست خوب چیز نیست خصوص با دخل خاصه وقتیکه خطری هم از عقبش نباشد فصل ما یشاء هم بوده رای و

میلش مطاع صرفی باشد این بود که بول میدادند اسباب چینی میکردند دوز و کاک میچیدند مهره گردانیه کرده هرگز نیرنگها بر کار میزدند تا پای برفرق مسند مینهادند فوراً میگفتند ( لمن المالك اليوم ؟ ) اما امروز راه دخل مسدود است در محضر و کلاء و مجلس مسئولیت دارد جان و مالش در معرض خطر است عقل و کفایت لازم دارد تعاریف گرفتن ممکن نیست اوضاع نیز درهم و بر هم است که راه انداختن چنین عرادی که تا کمر در گل فرو رفته کار حضرت فیل است کاورو مرد تنومند میخواهد کار هر بافنده و حلاج نیست لذا بهر کس تکلیف میکنند پس میزود و قبول نمیکند در جایی دیدم که یکفر انگلیسی از يك شخص ایرانی سؤال میکند که فرمانفرمائی هذوستان خیلی از سلطنت ایران بزرگتر و مظمتر است و سالیانه هم بیست و پنج هزار لیره انگلیسی واجب دارد که تقریباً معادل یکصد و پنجاه هزار تومان بول ایران است دوره حکومت آن پنج سال است که سه سالش اجباری و دو سال آخرش اختیاری است اگر فرمانفرما مایل باشد حکومت میکند والا استعفا میدهد و اغلب دیده شده که فرمانفرماها از اول قبول حکومت نمیکند و هر گدام هم قبول نمودند اکثر بعد از سه سال استعفاء داده دو سال احری را از گردن خودرد میکنند — لکن در ایران بانکه حکومت را بعد از عزل چه صدمه میزنند و دوره حکومت نیز اغلب از یکسال تجاوز نمیکند و حق حکومت نیز در کار نیست مع هذا چه جهت دارد که حکام راضی شده بلکه تعاریف داده با هزار التماس و اسباب چینی حکومت يك قطعه خیلی پستی را از دولت میگیرند ؟ ایرانی در جواب میگوید علت مطلق المنان بودن

حکام است آخر همین فرمانها که دارای اینهمه شئون است اگر در حکومتش يك سبلی بدون جبرت بیکنفر حمل نرزد و در محکمه نتواند از عهده جواب بیرون آید فوراً مجازات داده میشود ابدأ نیکویند حکمران سیصد مایون نفوس است هر که میخواهد باشد در رفتار قانون تمام مخلوق خدا بیکسان است اگر یکشاهی از يك رعیت بیابالی بزور گرفت محال است قانون او را معای بدارد جزاء گناهکارانش در کنار مینهند اینست که هر چه کار بزرگتر باشد خطرش زیادتیر و ترسش بیشتر است اگر اندک تلافی در پلتيك نمود دیگر مصیبت است روز کاری سیاه میشود چنانچه مستردن رئیس کمیسیون مأمور بافغانستان محض آنکه نتوانست امیر حبیب الله خان را فریب بدهد و پاتیک دولت انگلیس را قوتی تازه بخشد بمحض مراجعت از افغانستان او را از اداره وزارت خارجه بکلی خارج نمودند حالا خرابی و رسوائی بارکن هی روزنامهجات ملامت است که میکنند بدست که مینویسند در همه دوائر و مجامع صحبت از بی کفایتی و بی لیاقتی مشارالیه در میان میاید تا مدتها از دست زبان و قلم خلق آسوده نیست اینست که بزودی مشاغل خطیره را تمهید نمیشوند چه میترسند آبرویی که در مدت چهل پنجسال بسدها خدمت و زحمت پیدا کردند باندک غفلتی بریاد برود ولی این حاکم ایرانی اگر روزی ده نفر را سر ببرد و تمام اموال مردم را عفا ضبط نموده مجبور کند که دخترهای خود را فروخته پول تهیه نموده باو بدهند اصلاً مؤاخذه و بازخواستی در کار نیست بهر حال امروز نه کابینه مین شده و نه رئیس مجلس معلوم است صنیع الدوله که جداً استعفاء داد و تاکنون کسی در جای ایشان برقرار نشده و فی الحقیقه در یکموقع بسیار نامناسبی استعفاء خود را ظاهر ساخت گویا عقیده جناب ایشان چنین بود که وجود مجلس مقدس ملازم با کابینه سابق بود چنانکه در روز سه شنبه ۱۸ رجب در مجلس علانیه اظهار کرد که کابینه باید استعفاء بدهند لکن بعد از برقراری کابینه جدید سه روز بیشتر مجلس برقرار نخواهد بود و اکنون که این هیئت قهراً برهم خورد چنین تصور دارند که مجلس نیز خدا نخواسته منفصل خواهد شد و بدین سبب زود خود را کنار کشیدند که مایه بدنامی بر ایشان نباشد لکن عقیده ما و اغلب مردم بر اینست که اگر روزی ده مرتبه وزراء عزل و نصب بشوند باندازه سروسوزنی خلل بارکان مجلس راه تمییز و امتداد غیبی همواره با این مجلس همزاد است بالجمله این استعفاء خیلی بی موقع و ناخوش واقع شد لکن از آنجا که تفضل خداوندی همیشه شامل حال

این مجلس است در همان روز که صنیع الدوله استعفاء داد جناب احتشام السلطنه بطهران وارد شدند پس حالا سزاوار بلکه واجب است که وکلاء ایشان را بمجلس آورده عضویت و وکالتش که ثابت است ریاست هم بایشان واگذار نمایند امروز در نظر مردمان با انصافی آشکار است که ریاست مجلس را بایشان است که بقامت احتشام السلطنه دوخته شده است و احدی انکار لیاقت ایشان را برای ریاست نمیتواند بکند جناب صنیع الدوله فی الحقیقه خیلی خوب است لکن نرمی طبیعت و ولایت طبع ایشان کار مجلس را قدری سست کرده بود و کلاء حسابی نمیدادند نطقها بی ترتیب بود هر کس هر چه دلش میخواست هر وقت میل میکرد بلا تامل میگفت از اول مجلس تا آخر سی جور مطلب متفرقه که هیچکدام ربطی بهم نداشتند عنوان میشد و هیچیک بمقام نتیجه نرسید مسئله خالصه را هر روز عنوان کرده قرار میدادند رجوع بوزیر مالیه بشود باز فردا مجدد عنوان میشد و مجدد رجوع بوزیر مالیه میکردید در حالتیکه از اول هم سزاوار نبود مجلس در او بحث و مذاکره نماید مگر خیلی جزئی — و کلاء سبب نمیکردند نطق دیگری تمام شود و هر حرفی نامربوطی که در هیچ جا نمیشد گفت هر مجلس مطرح میکردند یکی میگفت قانون اساسی لازم نداریم یکی میگفت قانون اساسی قرآن است یکی تمهت بر مردم میزد یکی رجز میخواند دیگری میگفت در زمان پیدمیر که روز ناه نبود امر وز هم موقوف باید کرد — همه کس هم میدانست صنیع الدوله از این وضع راضی نیست لکن حالت ممانعت نداشته لکن احتشام السلطنه آدمی است پر شور سودائی با غیرت تحمل استماع این مزخرفات را ندارد و هر شکل باشد جلو گیری میکند يك حرصی در خدمت نوعیه دارد که آنی آرام نمیکرد چنانچه در تاسیس مدارس زحمات ایشان مشهود است — سعد الدوله نیز بدینست لکن چون پای غرض در میان است شاید تعیین ایشان اسباب تولید اشکال بشود —

يك مسئله دیگر هم مدنی است میخواهم بگویم کار های ایالتی را نمیشود فرو گذار کرد و بدین واسطه وقت مجلس تضییع میشود خوب است يك انجمن ایالتی برای رسیدگی بامور ایالتی تشکیل بدهند تا این قبیل مطالب بدانجا رجوع شده اسباب تفریط وقت مجلس نگردد و کار هاهم مطلق نماند —

امروز تیت صافی پادشاه جوان بخت بر همه اهل مملکت ظاهر کردید و معلوم شد آنچه را بعضی خائنین محض صرعه کار خویش بدان اندر نسبت میدادند بکلی بی اصل بود و جز خیانت آنها تملثاتی نداشت قلب

یادمان، رؤف است و با مات و مجلس کمال سعادت دارد؛ دیگر کسی شبهه نخواهد نمود و اذهان عوام را مایوب نخواهد کرد همیشه خیانت کاران این شیوه را که بزرگترین خیانات است مدار پلیتیک خود قرار داده بین ملت و شخص مقدس پادشاه قرار تولید نمودند و از اظهار پنهان کرد و در خلوت نشانی آن وجود پناک را مصدر کارهای ناپاک خود میساختند لکن امروز پادشاه دین پنا بالهاسام الهی این مسئله را بر خورد مصمم شده اند که با ملت و وکلاء بلاواسطه طرف نشسته عقاید مقدسه خرد را با عالی و دانی حالی بفرمایند و خائنین را مجال تفتین ندهند و کسی توهم نکند که مجلس بسته بوجود فلان وزیر است و تا او استعفاء کرد آسمان و زمین سر نگون خواهند شد —

صحبث در کابینه بود يك هفتی در چند روز قبل ما بقیده خود جسته و نوشتیم اگر چه بر خاطر بعضی دوستان گران آمد و فساد همه مملکت را بما نسبت دادند و بیچارگان فرق بین عقیده و تمین تمناه داد و فریاد بلند نمودند ما عقیده خود را اظهار کردیم که بزعم ما این اشخاص برای وزارتهای هشنگانه بودند و غرضمان آن بود که وکلاء و ملت و دولت غور و تأمل نموده اگر صلاح دیدند همین نمایندگان گمان کردند که ما وزیر معین کرده ایم و برمسند هم نشانیده صدرا بفریاد بلند نمودند که شما حق تعیین ندارید حالا گذشته گذشته است ان شاء الله بعد ازین سنجیده فرمایش خواهند نمود — برویم سر مطالب بقیده ما مشیر الدوله برای وزارت اعظمی از همه کس سزاوار تر است از ایشان که گذشتیم نظام السلطنه و فرمانفرما هم نسبت بدیگران لایقترند وقت هم تنگ است و مملکت در خطر شیرازه کار در این ایام نه طوری ملامتی شده که بتوان یاصبر و فراغت وزیر تعیین کرد از اصفهان تا طهران هفته چند پست را قطع الطریق میزنند داخله و لایا هم محتاج بشرح نیست زود باید وزیر معین کرد رئیس مجلس را نیز هر چه زودتر معین نمایند بهتر است و الله اعلم بالصواب

### خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری

( سه شنبه ۲۳ شهر رجب )

بعد از قرائت و تصحیح چند ماده از نظامنامه وزارت داخله تلگراف از طرف قرین الشرفی اعلیحضرت همیونی در جواب تلگراف مجلس قرائت شد که تلگراف تمیزت آمیز رسیده اظهارات خالصانه و کلا در حق نوکر خدمتگذار ما منظور و مقبول افتاده و باید و کلا باوزرا در امنیت و آسایش عموم معیت و همدستی کرده بذل

جهت نمایند و تمیز وزارت داخله هم در کمال دقت میشود اطمینان و امنیت باهل شهر و سایر بلاد بدهند گفته شد در ذیل تلگراف احضار بیست نفر از وکلاء بود که امروز بحضور همیونی شرفیاب شدند و اجمالی از مطالب متحضر همیونی را اظهار داشتند که فرموده بودند غرض از احضار وکلاء برای نظم ولایات و انتظامات امور بوده و بعضی احوادث غیر ترقیه که رخ داده باید البته و کلا باوزرا درست و متحداً مشغول برسیدگی و تحقیقات لازمه و اصلاح امور عامه و نظم مملکت باشند و مجلس در این مدت از وظایف اولیه خود کوتاهی کرده قوانین لازمه را با ندرات نرسانیده و مامورین اجرا هم از تکالیف و وظایف سابقه خود دست کشیده ترتیبات و قواعد پیش را هم مطرود و مهمل گذاشته بعد ها باید مامورین اجراء صحیحاً مواظب باشند و در اجراء قوانین مسامحه نکنند تا انتظامات صحیح بعمل بیاید وزیر داخله هم همین ایام منتخب خواهد شد و شخص اعلیحضرت وزرا را بمجلس خواهند آورد و بقیه از وکلاء را هم از اینجا ولایات بخوانند که زودتر انتخاب شده بیایند و قوانین لازمه را زودتر بانتمام برسانند عموماً از اظهارات ملوکانه خوشوقت و بدعنی ذات مقدس رطب اللسان گشتند لایحه از انجمن جنوبی قرائت شد که چون جناب احتشام السلطنه از وکلاء و منتخبین ملت و شخص کافی است و دولت خواه و ملت دوست است مجلس مقدس وجود ایشانرا لازم دانسته احضار نمایند و مطلب دیگر اینکه با اداره نظمیہ اظهار کنند که بی جهت برای این وقت در خانه اشخاص محترم نروند و بلا مایب دل بخوان هر کسی را دستگیر ننمایند که موجب صلب امنیت و آسایش از مردم خواهد بود و اسباب زحمت و درد سر خواهد شد لایحه هم از انجمن اتحادیه طلاب بهمین مضمون قرائت شد اغلب تصدیق کردند و گفتند بخانه رفتن و ریختن و دستگیر کردن حق ندارند هر کس را که سو ظنی در حقش دارند برفوق قانون با احضار نامه در کمال احترام احضارش نمایند و از روی قانون استنطاق کنند اگر چیزی هم از او فهمیده نشد بزودی مرخصش کنند که اسباب هرج و مرج نشود در خصوص استنطاق و رسیدگی مذاکره زیاد شد که آیا بچه نحو و در کجا باشد جمعی گفتند در عدلیه بانظار چند نفر از وکلاء جمعی گفتند حق و کلا مداخله در این امور نیست بعضی اظهار داشتند که در عدلیه مجلس علنی بنظارت جمعی از مردمان صحیح در حضور تماشاچیان باشد قرار شد در مجلس دیگر مذاکره کرده در این خصوص رای گرفته شود در

خصوص وقت مجلس که سبب باشد یا عسر مذاکره شد  
انهم قرار شد در مجلس دیگر زنی گرفته شود مذاکره  
در خصوص آقا محمد صادق شد که این شخص را بی  
جهت گرفته شخص محترم و صحیحی است اگر در  
حقیقت برای استنطاق است زودتر استنطاق کرده مرخص  
دارند و باین سهانه هر کس را در حبس و زیر شکنجه  
نگذارند (مجلس ختم شد)

نصیحت پادشاه ایران

مدتهای مدید و سالهای متعددی عموم اهالی ایران  
در مهمل بطلان و گرفتار خواب غفلت دور از دائره تمدن  
و بیرون از حوزه آدیت در میان دول فتنه و ملل متعده  
به بربری و وحشیگری موصوف و حال علمی و  
بیخردی ما در همه عالم مکشوف و معروف بنا این همه  
عیب ما نادانی بود فقط و نقص ما نبودن در فکر دائمی  
و بی ولی امروز که بحمد الله گوکب دیری سعادت و اقبال  
ایرانیان از مشرق مشروطیت طلوع کرد و حبل المتین  
آدیت بدست آمده دارای مجلس شورای ملی شده و خود  
را در عداد دول کستنی و سبوتل آورده معایب ما هزار  
و نواقص افزون از شمار است مثلی عرض میکنم تا همه  
کس ملتفت شود شخصیکه خانه ندارد نقص او یکی است  
نداشتن خانه وقتی صاحب خانه شد هر چه از لوازم خانه  
کسر باشد موجب نقص او است و ملزومات خانه بیشمار  
است ما ملت مثل کسی هستیم که تازه خریدار صاحب خانه  
کرده ایم و باید امداد و میل صحیح بجهت این خانه تازه  
فراهم و تحصیل کنیم و فعلا هیچ از لوازم و باحاج این  
خانه را نداریم وای کاش که امروز بنقص نداشتن قناعت  
میکردیم و کاری نمیکردیم که موجب سخریه و استهزاء همسایه  
شود باز مثلی عرض میکنم و از هر کس بقدر وجدان او  
انصاف میخواهم ما که تازه صاحب خانه شده ایم اگر  
بجای میز بزرگ سنگ مرمر کرسی شکسته بنهیم و بجای  
چارچهل کلمه پارسی پیدوز مس قیاضه شده بگذاریم  
و بجای سذولی فزردار کرسی پسی بینه دوزان را قرار  
بدهیم چه قدر باعث استهزاء و تحقیر پیش اجانب میشود  
این مطلب بدیهی و مستغنی از بینه و برهان است حال اگر  
بخواهم تمام افعال مستهجنه و اعمال رکیکه که موجب  
خجلت عقلا و بدنامی ملت است عرض نمایم کتابی میشود  
مبسوط پس یکی از معایب قناعت میکنم امیدوارم که اثر  
کلی به بخشد و رفع این نواقص بشود یکی از معارف بزرگ  
تمام دول روزنامه است که اهمیتش زیاده و مایه آبادی  
ملك و ازدیاد ثروت و تکمیل اخلاق و نشر علوم و صنایع  
و انتشار حرف و بدایع بلکه برآمه علمی است مفید و

ذوقتون محابن و انریس از حد تقریر و تحریر بیرون  
چنانچه بعضی ارباب جراند وضع اشارات روز نالجات  
خارج را از قبیل مخبر و تروطم و غیره و غیره را بهتر از من  
میدانند و محتاج بشرح و بسط نیست ولی در مملکت ایران ماشاء الله  
از روزیکه زبان و قلم آزاد شده از چند روز نامه مقدس  
گذشته چیزهایی می بینیم و می شنویم که بالمره از این مملکت  
مایوس میشویم بعضی برای کسب معاش قلم دست گرفته  
چند کلمه از نیک و بد بهم بندند و امر معیشت قدری منظم  
میشود و بعضی از فرط بیکاری خود را صاحب کمال تصور  
میکنند و چون چند کلمه از حرفهای رایجی را در خانه خود  
مسائل گفته یقین میکنند که کاک و زبان او چون تیر تهنین  
و تیغ اسکندر جان فرسا و جهان کشا است چند کلمه بهم  
می نهد و خود را روز نامه نگار میخواند و سر ناپای روز نامه  
که باعتقاد خود مایه بیداری است بفرحش تمام میکند چه معنی دارد  
روز نامه نویس غرض و رزی نماید یا خود پستی کند  
بیجهت بد بنویسد عجب در این است که سائیکه ورق روز  
نامه خود را از تعریف خود سیه میکند همان ورقه مسجل  
میکند که صاحب این عبارت سواد فارسی هم درست ندارد  
هر حال ما متوقعیم که روز نامه در مملکت ما نشر علوم  
و صنایع و حرف و بدایع کند روز نامه باید تهذیب اخلاق  
نماید روز نامه باید رفع ظلم کند روز نامه باید باعث  
ازدیاد شرف و ثروت و کمال و غیرت و تمدن و آدیت  
شود نه اینکه مایه بضحکه چند نفر اجلاف و اجامر گردد  
بعضی از این اورانی موجب رسوائی و باعث بدنامی  
ملت است و الله اعلم العظیم من با احدی غرض ندارم و  
طرفی نیستم بخصوص صاحبان جراند که با بعضی گذشته  
از محبت نوعی ارادت شخصی دارم از آنجائیکه زحمت  
ها کشیده شد ما نکذاشتیم دوباره قلم و زبان مقید شود  
و جز آزادی طریقی بسیر اگر در جراند عبارات مستهجن  
رکیک دیده شود موجب شرمندگی و خجلت است برادرانه  
از صاحبان جراند استدعا میکنم که از طریقه خرد بیرون  
نروند و آنچه حق روز نامه است ادا فرمایند بد را بد و  
خوب را خوب ولی اگر از کسی حرکت بی رحمانه مشاهده  
شد لازم نیست او را شمر بخوانند همان حرکت و فعل  
او را بنویسند کالی است روز نامه که باید علمی و سیاسی  
و تاریخی باشد و مقالات عام المنفعه در او درج شود چرا  
بفحش و نامرزا تمام بکنند (احمد ابن جلال الدین)

راپورت ساری

این بنده کم نام که یکی از خیر خواهان بشی نوع  
انسانی و در زمره وطن پرستان خود را میدانم و از سوء  
اتفاقات در این هوای گرم تابستان مسافرت مازندران دست  
داده از گوشه و کنار ظلم های بلانهایه مشاهده میکنم که قلم

شرم دارد از نوشتن آن ما بیچاره کان تا چند گرفتار ظلم مستبدین ما عیم در هر بلدی چند نفر از اشرار نه مقصودشان جلب منفعت شخصی خودشان است اطراف حکومت را گرفته و بخطابات حضرت اشرفی مخاطب ساخته آنچه لازم تمدی است نسبت بشوع خود مینمایند که جزئی سودی خود فایده برده باشد منجمه الان رعیت بیچاره که از اول سال خود و عیال و اطفال و کسانس در این آفتاب گرم تابستان مازندران بکشت و زرع برای قوت لایهوت مشغول است و این مستبدین اطراف حکومتی که انصافاً بسر مبارک حضرت اشرفی ایالت یتاهی قسم یاد میکنند بیخ از منازل بریده فراهم کرده کباب جوچه تفنن لیمونات تبرید آب جو مینمایند ار چه محل از محل این رعیت آفتاب خورده ما اهل و عیال که فلان کس از هشت سال داعیه طلبی از الان رعیت دار دهشت خروار شالی چهل منه بنده یکی از حاشیه نشین های آن مجلس وده دل سوزنه بحال آن رعیت فقیر تاسف میخوردم و بحال مظلوم بودن آن چکرم را میخراشید بان رعیت القا کردم که باید این طرف تو یا سند اظهار کند یا ثبوت در این گفتگو بودیم که صدای ناله جان سوزی بلند شده گفتم دیگر چه خبر است دیدم زنی سر و پا برهنه بناله جان کدازی کریمه کنان اظهار داشت که دیروز پس از آمدن شوهر من بشهرساری برای دفع ادعای هشت خروار شالی هشت سال پیش مأموری از حکومت آمد چون شوهر من نبود ما مور خدمتانه میخواست من که نداشته بدم یک کاو کاری که مشترک فیما بین پنج رعیت است و متکفل و برستار کاو من ضمیمه بودم ما مور کاو را آورده بشهر من عقب کاو آمده ام این بنده گفتم که برو بحکومت عارض شو جمعی اظهار داشتند ای آقا این مسائل قابل نیست که حضرت اشرفی را مزاحم باشد بهمین لیت و دل از آن رعیت بیچاره بگو و گذاشتن همان کاو بیست و پنج فران فرض کردیم بجهت کار نکذشته بامور داده شد تا بعد ها چه گرفته شود نظیر همین مسئله سال گذشته را هم از اتفاقات بیمازندران آمده در یک مجلس حضور داشته صحبت میکردیم با یکی از اجزاء حکومت دیدم گماشته آن اجزاء حکومتی وارد شد نجوای با آفای خود کرده از آنجائیکه این بنده حال کنج کاوی دارد سؤال کرده که این نجوا چه بوده اظهار داشت که میرغضب حکومتی باید بی موجب و انتخاری باشد چون چندیست که نسقی نشده و پولی بجهت معاش این میرغضب فراهم نیامده و آن بیچاره هم مخارج دارد لهذا گفتم یکی از زندانیهارا برده مهار نماید پولی از کسبه شهر بجهت او جمع شود بنده باو گفتم که این زندانی چه گناهی نموده است گفت هشت ماه پیش کاوی دزدیده بود کاورا گرفته بصاحبش مسترد داشتیم چوب هم خورده پنج تومن هم

داشته از او جریمه گرفته عد در این هشت ماه که در زندان مانده بواسطه نداشتن چهار پنج تومان حق الزحمه زندان بان است لهذا امروز محل معاش میرغضب اورا قرار دادیم

شاهد این حال قضیه یوم شنبه نهم شهر جمادی الثانیه است سارق کاوی که در محرم شش ماه پیش از این حرکت یا بواسطه تلافی تمدی همسایه اش یا بواسطه خصومت سابقه که همه وقت فیما بین رعایا هست و شش ماه در حبس بوده و از شدت کرسنکی تشریحی بهر یک انسان باقی مانده محض نرسیدن معاش میرغضب و تلفن نمودن حکومت حکم بقطع دست این میت متحرک شد ای کش که حکم بر بردن این بیچاره می نمودند که یک صدمه دست بریدنی علاوه بر مردن او نمی شد ریرا که عنقریب خواهد مرد از این دست بریدن !! شمارا موجود اشیاء و بشرات انسانیت قسم که تا کی این گونه ظلم ها را تحمل کنیم ( انصاف محفوظ )

### ( حبل المتین )

یک حد شرعی در این مدت جاری شده که دست یک سارق را قطع کرده اند آنرا هم شما شکایت میکنید ! شما خود اقرار دارید که این شخص کاوی دزدیده است دیگر چگونه اظهار شکایت مینمائید در احکام الهی نباید ملاحظه و ترحم نمود و سر بیچارگی سارق افسوس خورد والا هیچوقت کارهای ما منظم نخواهد شد --

خدمت ذی شرافت مدیر محترم جریمه مفسدس حبل المتین دامت برکاتهم عرض میشود امر و مقرر فرمائید این چند کلمه ذیل را در جریمه مقدس درج فرمائید

### رفع اشتباه

مانفکداران که به تحریک حاج محمد تقی صراف تبریزی وغیره گول خورده باز اویقه مقدسه رفت بجناب شیخ ملحق شده و دیدم محضر فرموده جناب مرتضوی مراجعت بشهر ندوده ایم لهذا محض رفع اتهام و اظهار توبه مستدعی است عموم برادران وطن در روز چهار شنبه شهر ۳ شعبان در انجن مقدس آذربایجان تشریف فرما شوند شرح حال مادر حضور برادران وطن مشروحاً قرائت شده تاسیه روی شود هر کس در او غش باشد ( اول علی صراف تبریزی ) ( اول ابوالقاسم صراف تبریزی )

### اخبار تلکرافتی خارجه

از لندن کانل ایوا ف رئیس یکی از مجس های بزرگ پترزبورغ هدی کوله شده و بقتل رسیده است مجلس لرد ها مسوده قانونی از دواج خواهر

(اعلان)

کتاب مستطاب رومان مروی حاجی بابای اصفهانی که بهترین کتب رومان تاریخی است و برای نشان دادن عادات و اخلاق و احوالات ایرانیان و اوضاع زندگی و سایر امور آنها از این کتاب بهتر و نیکوتر یافت نمیشود. با عبارات صافی و ساده خالی از اغلاطات عبارتی بطوریکه همه کس از آن منتفع گردد و خواص و عوام را بکار آید در دو جلد بطبع رسیده و دارای صور و نقاشیهای قشنگ که گراور شده است تقریباً دو جلدش نود صورت و شکل دارد. مجملاً مطالعه این کتاب همه کس را لازم و برای بصیرت بر حقایق احوال ایران و ایرانیان متحتم است.

و هر کس درست آنرا بدقت بخواند از اهمیت آن کتب وقف میشود. فعلاً هر دو جلدش صحافی کرده و مجلد شده در اداره حبل المتین طهران برای فروش حاضر است. طالبین بدانجا رجوع نمایند.

(اعلان)

دکتر استپانیا حکیم مخصوص دندانسازی اعلیحضرت همایونی در خیابان علاء الدوله رو بروی خانه امیر نظام کارخانه دندانسازی خیلی ممتاز و مکمل باز نموده و قبول می نماید همه جور ناخوشیهای دندان را معالجه نماید بطرز بسیار امریکائی و همه روزه صبح از ساعت هشت الی دوازده و رنکی و بعد از ظهر از ساعت دو الی شش فرنگی در محل معروض برای رجوع کنندگان حاضر است.

(اعلان)

کتاب دیوان سر خوش که مقبول ارباب ذوق و مطبوع اصحاب هنر و کمال و اشعار آبدارش زنت از دل و غم از خاطر میریاید بتازگی در هندوستان در مطبعه حروفی بوضعی پاکیزه و اسلوبی ظریف بطبع رسیده است.

همچنین کتاب مکالمه سیاح ایرانی و هندی که کتابی است نفیس مشتمل بر مطالب عالیه پلیدی و تاریخی و جغرافیائی و برای اطلاع بر جزئیات و کلیات مملکت هند و ایران نهایت مطالعه آن مفید است. بتازگی بوضعی مرغوب بطبع رسیده این دو کتاب برای فروش در طهران در اداره روزنامه یومیه حبل المتین موجود است هر کس طالب باشد بدانجا رجوع نماید.

(اعلان)

کلیات پرنس میرزا ملکم خان جلد اول مشتمل بر دوازده رساله باعکس معظم له بهمت و غیرت ربیع زاده طببع شده در کتابخانه تربیت بفروش میرسد قیمت پانزده قران.

(مخزن الحسینی کاشانی)

زن را بعد از قرائت دهمه سوم قبول نمودند مانور عظیمی در انکاستان دایر بوده در موقعیکه دستجات سوار جانبین بهمد یکر حمله آوردند یک نفر در بین تلف و بیست نفر محروح کردیدند.

وقایع نگار روتر از توکیو تسکراماً اعمار مینماید که حریق عظیمی در شهرها کودات واقع شده و دامنه آتش تمام شهر را فرا گرفته بطوریکه هفتاد قسمت از صد قسمت شهر تمام سوخته کایه فونسلو و خانه های خارجه باستشای فونسلو خانه امریکا منهدم شده است.

خسارتی که از سلهای اعظم ژاپون وارد شده چندین میلیون ین (پول ژاپون است) تخمین شده است.

از لندن تبه انگلیس مقیم طنجه عرضت بهفارت دولت متبوعه خود شان عرض و در خواست کرده اند که کشتیهای جنگی انگلیس محض حفظ و حمایت آنها فرستاده شود زیرا که اقدامات دولت فرانسه و اسپانیول بجهة حراست خارجیان کفایت نمیکند.

از قرار راپرت امیرال فیلی بر (امیرال فرانسوی هر مراکش) تمام اروپا بیان مقیم شهر از انجا عزیمت نمودند.

حکومت کانادا شروع بمذاکرات با دولت ژاپون نموده که در خصوص مهاجرت عملجات ژاپونی بخاک کانادا قرار داد قدیم را تجدید نمایند باینه معنی که در سال بیشتر از هشتصد نفر عملجات ژاپونی حق دخول در خاک کانادا نداشته باشند.

در خاک کولومبیه انگلیس عملجات مشرق زمینی بقدری عرصه بکار کران داخلی تنگ کرده اند که عما قریب محتمل است دست تطاول بقصد صدمه بر آنها دراز نمایند.

(اعلان)

مهرهای الاستیک (کالوجوک) که بهترین اقدام مهرها است و در اغلب ممالک متدنه معمول و مرسوم است بطرز مرغوب و خط خیلی خوش بفارسی و فرانسه و روسی و آلمانی و کایه خطرط و آلمانی بقیمت مناسب بنده نازل تهیه ساخته میشود هرگس مایل بشود بر رئیس مطبعه فاروس سیولئون رجوع نمود فرمایش دهند بزودی حاضر خواهد شد.

(اعلان)

یکبن خانه واقع در محله امامزاده یحیی دلرای دو بست و چیل ذرع و سمت بقیمت عادله معمار بهروش میرسد و همچنین اجاره داده میشود هر کس طلب باشد باداره حبل المتین رجوع نماید.